

بسم الله الرحمن الرحيم

حجت الاسلام والمسلمين پناهيان

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم، بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين، حسبنا الله و نعم الوكيل، نعم المولى و نعم النصير و صل الله على نبيّ الاعظم محمد و آله الطاهرين.

سلام را می گوئيم عيب ندارد شخصی است، اما صلوات اصلا هيأتی نيست،

اللهم صل و سلم و زد و بارک على صاحب دعوه النبويّ و سادّه الحيدريه و العصمه الفاطميه و اللحم الحسينيه، و الشجاعت الحسينيه، و العباده السجديه، و المعاصر الباقرية، و الآثار الجعفرية و العلوم الكاظميه، و الحج الرضويه، و الجود التقويه، و النقاوه النقيوه و الهيبه العسگریه، و الغيبه الالهيه الحجه الهادي المهدي، اللهم صل على محمد و آل محمد.

بهم نتولّي و من اعدائهم نتبرأ الى الله، اعوذ بالله من الشيطان الرجيم، الذين اخرجوا من ديارهم و اموالهم يبتغون فضلاً من الله و رضوان و ينصرون الله و رسوله اولئك هم الصادقون

خوب قطعا در اين چند روزه بهره های لازم برده شده است، من چون خیلی فرصت هم کم است، محضر هم الحمد لله محضر فيض است، آقایان علما تشریف دارند و همه آنچه که باید را می دانند، فقط حالا اینکه چرا قرعه به نام ما افتاده نمی دانم، شاید ما خیلی از حرفهایمان در استانها و شهرستانها با هم زده باشیم در این جلساتی که توفیق بوده که همین سفره هم الان پس لرزه همین استان قبلی زیارت بحث لرستان و از آن طرف شمال، در خدمت دوستان بودیم، از نزدیک خیلی از مطالب را تا آنجایی که وسعمان رسیده است عنوان کردیم، اما نسبت به این نکته اخیری که مقام معظم رهبری فرمودند بحث هیأت سکولار، مجموعه بحث هایی که تا امروز شده و حالا شاید هم از این به بعد ادامه پیدا کند همه اش در راستای همین مطلب است که هیأت سکولار نباشد، اما هیأت سکولار نباشد چی باشد؟ کمی این دقت می برد چون، ما در این دور زدنهایمان در شهرها معمولاً من شنبه که راه می افتم بیرون چهارشنبه و پنج شنبه بر می گردم قم، یا مستقیم با خود هیأتهاى دوستان حزب اللهی و ولایتی ارتباط داریم یا نه، با مجموعه های دیگر، ولی سراغی که می گیریم، خبرهایی که می دهند بالاخره در جریان بخش عملیات هستیم، آدم احساس می کند آن اتفاقی که اتفاق ایده آل انشاءالله هست و انشاءالله خواهد افتاد، حالا یک مقداری ممکن است دیر و زود بشود، الهام فعل خیر نیست همه جا، یعنی ما عملیتهایمان خیلی جاها، عملیتهایی است که خودمان به این نتیجه رسیدیم که این کار را انجام بدهیم، یا نهایت لیدرهایمان یا جریانهایی که از آن جریانها داریم تأثیر می پذیریم، یک جایی آدم در جمع حزب اللهی ها می تواند داد بزند، می تواند فریاد بزند، البته شما امروز

خیالتان راحت باشد من مطلقاً نمی توانم داد بزنم، چون این ریه حساسی کار خودش را کرده است، آن هم هیأت است، هیأت دیگر آخرین امید ماست، آخرین سنگر ماست، اولینش هم بود، بعضی گروهها و جریانهای سیاسی را اگر می گفتیم آقا شما خیلی نگاه نکنید، مقام معظم رهبری آمدند قم در این دو سه پیش فرمودند که لایعرف الحق بالرجال، حق را با رجال سیاسی نشناسید، ما بی توجه از کنار این فرمایش گذشتیم، همه ما دنبال رجال سیاسی رفتیم به سرنوشتی که می بینیم دچار شدیم، بل بآیه الحق، این تکه آخر روایت امیرالمؤمنین را حضرت آقا نخواندند که خوب دنبال کی برویم؟ دنبال رجال سیاسی نرویم دنبال کی برویم؟ امیرالمؤمنین فرمود بآیه الحق، خود آیه حق، خود ولی، ما در جریانات سیاسی مشکلات جدی داریم، اما هیأت ویژگی خاصش با این مأموریتهایی که حضرت آقا تعریف کردند و البته مَرّ روایات ماست، عین روایات و احادیث ماست که من چون فرصت خیلی کم است مجموعه روایات و آیاتش را تقدیم شما نکنم، مواردی را یک جمع بندی و دسته بندی خیلی مختصر شده خدمتتان تقدیم می کنم، با این وصف هیأت آلوده نمی شود، اگر هیأتی آلوده شد به آفت های سیاسی، هیأت نیست، دیگر هیأت نیست، ما اگر واقعا بحثمان بحث هیأت است، باید از یک اصولی پاسداری کنیم و نگه داریم، چه در قرارگاه باشیم و مشعر و کذا و اینها، چه در رزمندگان اسلام باشیم و آن مجموعه، چه نمی دانم در مجموعه های مختلفی که برای هیأت الان راه اندازی می کنند، اصل هیأت را حفظ کنیم، اصل اصیل هیأت را حفظ کنیم، این جلسه ذکر را که فرمود اتقوا الله کونوا اخوه برره، حالا این روایات را خیلی مرور کردید من سریع رد شوم، امام صادق فرمود اتقوا الله، آنچه که خدا می خواهد را مواظب باشید و آن را انجام دهید، کونوا اخوه برره، برادری کنید با هم برادری که به هم خیر برساند، متهایین فی الله، متواصلین متراحمین، عاشق همدیگر بشوید، عشق که حالا دوستان جبهه ای زیاد هستند در جلسه، بزرگترهایمان هستند، این عشقی که آدم در گردان و گروهان و سنگرها می دید الان کمتر در جمعهای ما دیده می شود، متهایین فی الله، عاشق همدیگر بشوید به قدری که حاضر باشید برای همدیگر بمیرید، عاشق هم، ما برای هدفمان کار می کنیم! برو دنبال کارت، کسی که برای هدفش می خواهد کار کند باید اولین سرمایه را داشته باشد، متهایین فی الله، عشق به هم، متواصلین متراحمین، یکی بود و از هم جز رحمت ندیدن، خوب بعدش می خواهید اینها را چکار کنید؟ این سرمایه می خواهد در کجا به کار گرفته شود؟ بعد فرمود تزاونوا تلاقوا، حالا بیایید دور جمع شوید، دور هم جمع شدیم چکار کنیم؟ تذاکروا امرنا و احيوه، امر ما را یادآوری کنید، شما الان در جامعه هیأتی ما احیاء نام اهل بیت محور است، نه، امر ما را یادآوری کنید، یعنی بیایید در جامعه جا بیاندازید جریان حاکمیت ولی تو را به خدا را، این را تبدیل به یک گفتمان کنید، این را تبدیل به یک ادبیات عمومی کنید، تبدیل به یک سکه رایج کنید، امر ما را احیاء کنید، تذاکروا، یاد آوری کنید امر ما را و احيوه، حالا بعد از اینکه یادآوری کردید امر ما را حالا احیائش هم بکنید، دو تا مأموریت اساسی دارد هیأت، یکی تذاکر امر، یعنی یکی تعمیق بصیرت در حوزه چگونگی تعامل با ولی، این مأموریت اول، بصیرت جامعه به ما بستگی دارد، این مأموریت

اول ماست، دیگران مأموریت دارند یا نه به ما ربطی ندارد، مأموریت اولی و اصلی کسی که پرچم امام حسین را بلند می کند این است، در جامعه بصیرت ایجاد کند، معرفت عموم جامعه را نسبت به چگونگی تعامل با ولی، با ولی چکار باید بکنیم، این را باید اول بصیرت ایجاد کند، دوم و احیوه، حالا بعد خود این هیأت که آمده نرم افزاری را فراهم کرده، خود این هیأت که آمده تئوری را پرداخته، خود این هیأت که آمده علم را توسعه داده در این حوزه، خود این هیأت بیاید حالا اولین کسی باشد که اقامه کند امر این امام را، خوب؟ حالا مقام معظم رهبری در صحبت محرم امسال یک هشدار دادند، در محرم هم گفتند، درست است فرماندهان بسیج بودند اما در محرم فرمودند، تشکیلات امام حسین، یک هشدار دادند، فرمودند باید الگوی شما زینب باشد، چی زینب؟ صدق زینب، همه می دانید صدق یعنی پایداری کردن، پای امر امام در حوزه مبارزه با استکبار و کفر، صدق یعنی این، خود آقا فرمودند صدق یعنی چی؟ وفای به عهد، که الان دیدم روزنامه آسمان هم بحث وفای به عهد را می آورد، اما این کجا و آن کجا، صدق وفای به عهد است، وفای به عهد در چه حوزه ای؟ مقام معظم رهبری آیه سوره احزاب را خواندند، من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نهبه و منهم من ینتظر، لایوئون الاذبار، آیه پانزده سوره احزاب، وفای به عهد در پشت نکردن به دشمن، چرا مقام معظم رهبری این هشدار را دادند؟ به جهت اینکه قبل از سفر رئیس جمهور به نیویورک یک دفعه این سایت های حزب الهی و غیر حزب الله، حزب الهی ها گفتند صلح حدیبیه، غیر حزب الهی ها گفتند صلح امام حسن، ولی هر دو گفتند صلح، هر دو گفتند صلح، اصلا تهدید کردند، گفتند آقا اصلا قرار بود در شهر ما سیزده آبان امسال برگزار نشود، یا مثلا شعار مرگ بر آمریکا را داشتند همه بچه ها فکر می کردند جای مرگ بر آمریکا چه شعاری بدهند، پشت نکردن به دشمن، آقا حالا فضای استکبار ستیزی که برای همه جا افتاده است، به خدا برای همه جا افتاده نیست، ماها عملیاتی اش نکردیم، سیزده آبان مرگ بر آمریکا بگوییم فرق می کند تا اینکه شما هیأتان هیأت مرگ بر آمریکا باشد، هر کسی بیاید در این هیأت برای امام حسین سینه بزند برود سریع یک جبهه برای یزید زمان درست کند، برود بیرون یک جبهه درست کند برای یزید زمان خودش، نمی رود اینجوری، همین الان یک هیأت در بحرین بلند شدند یک شب آمدند ایران، چهار پنج نفر، در هیأت آمدند و آخر هیأت صحبت کردند که آقا ما می خواهیم هیأت راه بیان داریم، ما مشکلمان در بحرین مشکل هیأت است، با این اختلافات و مشکلاتی که ایجاد شده بین این گروه های مبارز، مثلا می خواهیم این مدل هیأت ایجاد شود، رفتند و یک هیأت هم راه انداختند به نام هیأت زوار الزهرا، کاری ندارم، همین الان چند تا از این بچه های هیأت جوان و نوجوان همین الان اسیر هستند، شهید دادند، خیلی عجیب، یکی از منسوبین همین بچه ها وقتی که افسر آل خلیفه آمریکایی می آید این را شکنجه می کند، بدنش را تکه تکه خورد می کند، ذره ذره او را به شهادت می رساند که یک ذره اهانت به رهبر معظم انقلاب بکند و او هم حاضر نمی شود یک بچه شانزده ساله، بچه شانزده ساله که آمده در این هیأت، شکنجه اش می کنند تا اهانت بکند، اهانت نمی کند، اهانت که نکرد

بعد که شهید می شود مادرش که بی تابی می کند وقتی می بیند بدن بچه اش تکه تکه شده است، صبح می بینند مادر دیگر گریه نمی کند، به مادر می گویند چرا گریه نمی کنی؟ می گوید آخر دیشب حضرت علی اکبر علیه السلام را دیدم آقا فرمود چرا بی تابی می کنی؟ گفتم آقا بچه ام را تکه تکه کردند، گفت خوب من را هم تکه تکه کردند، بعد آقا می فرماید ولی نگران نباشد، فرزند تو در راه ما، قشنگی اش اینجاست، در راه و برای ما کشته شده و الان کنار من است، نگاه کن، می گوید دیدم پسر من کنار حضرت علی اکبر علیه السلام است، کجا؟ در بحرین، آنوقت قصه بیداری اسلامی یکی از فروعات جریان هیأتی ما در شهرستانهاست، خوب ما از حضرت علی اکبر جدا هستیم، شوخی نداریم. پشت کردن به دشمن چجوری می شود؟ که الان مقام معظم رهبری احساس خطر می کنند، چرا پرچم صدق بلند می کنند؟ صداقت به معنای راستی و درستی نه، صدق، من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه، همین آیه ای که الان برایتان عرض کردم را دقت کنید، می فرماید این مجاهدین و مبارزینی که پای رکاب پیغمبر اکرم هستند، یبتغون فضلا من الله و رضوانا و ینصرون الله و رسوله، اولئك هم الصادقون، صادق می دانید کیست؟ اولین ویژگی یک صادق این است که تمام توجه او اولاً به خدای متعال است، تمام امیدش به تفضل خداست، به تفضل خدا، یعنی اصلاً خودش را نمی بیند، اصلاً کارش را نمی بیند، اصلاً هیچ توقعی از کاری که انجام می دهد ندارد، اولاً اولاً اتصال او به خداست، من یرتد منکم عن دینه فسوف یأتی الله بقوم یحبهم و یحبونه، اول این باید حل شود، اینکه مقام معظم رهبری فرمود هیأتها، اول باید رابطه مردم با خدا را درست کنند، تعمیق ایمان و عشق الهی را در دلها بارور کنند ما برای این چکار کردیم؟ چکار باید بکنیم؟ چکار کردیم را اصلاً بگذریم، ما نمی خواهیم امروز چکار کردیم را بگوییم، گفتند حاج آقا خیلی دیگر گفتند، شما دیگر چیزی نگوئید، خوب برای این برویم برنامه ریزی کنیم، برای برقراری رابطه عمیق عاشقانه بین هیأتیهامان و بالطبع جوانان شهر و استانمان و بالطبع ملتمان با خدا برویم برنامه ریزی کنیم، رفقا بدون این نمی شود، اولین ویژگی یحبهم و یحبونه است، اگر عشق بین بنده و خدا ایجاد شد بعد اذله علی المؤمنین می شود، چرا حزب الهی ها حاضرند همدیگر را تکه تکه کنند سر جریان انتخابات؟ چرا مقام معظم رهبری داد می زند به حزب الهی ها می فرماید آقا همدیگر را تکفیر نکنید لاقلاً، جمع نمی شوید نشوید، لاقلاً همدیگر را کافر نکنید، در همین قم ما هنوز خیلی ها را نتوانستیم متقاعد کنیم که آقا شما اشتباه کردید حرم را به هم زدید، آقا فرمود خلاف شرع، اینها که نمی پذیرند خلاف شرع، لاقلاً تکفیر نکنید، چرا اینجوری است؟ چرا اذله علی المؤمنین نیستیم، چون آن اتفاق اول نیفتاده است، آن اتصال و عشق به خدای متعال ایجاد نشده است، هیأت مأموریتش ایجاد عشق به خداست، بله این کلام آقاست، اول این است، و ابتغوا الیه الوسیله، امام حسین وسیله برقراری ارتباط است، آقا شهادت چگونه برقراری.. کربلا، فاطمیه چگونه می تواند ارتباط مرد با خدا را تعمیق کند، من مدیر من روحانی من خادم از حاج آقایم این را بخواهم، از مداحم این را بخواهم، از بچه های فرهنگی که کار می کنند این را بخواهم، اول عشق به خدا، بعد عشق به اهل بیت، بعد عشق به

اهلبیت، درست است با سرمایه عشق به اهل‌بیت آمده در هیأت، منتهی با سرمایه عشق به اهل‌بیت باید به خدا اتصال پیدا بکند، اگر این آدم در او اتصال و عشق به خدا ایجاد شد بعد می شود جزء صادقینی که مجاهده می کند، مبارزه می کند، از دیارش هم که اخراجش بکنند عین خیالش نیست، جانش را هم می دهد، چرا؟ چون بیتغون فضلا من ربهم، دنبال تفضل خداست، دنبال مرحمت خداست، شهادت همان تفضل است دیگر، ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء، تفضل خداست، خوب دومین چیزی که آدم صادق دارد چیست؟ ببینید یکی از مأموریت‌هایی که آقا فرمود وظیفه شماس است که در هیأتها ایجاد کنید تربیت انسان است دیگر، ما هم داریم این حوزه ها را تند تند می رویم، اولین عنصری که باید تربیت شود در هیأت‌های حزب الهی و ولایی، در هیأت، حزب الهی و ولایی نه، مگر هیأت غیر ولایی هم داریم، آقا می فرماید هیأت سکولار نداریم یعنی این، یعنی نداریم، آن هیأتی که سکولار است اصلا هیأت نیست، نداریم یعنی اصلا هیأت نیست، پس ما هیأت‌های حزب الهی و غیر حزب الهی نداریم، آقا آنهایی که هستند چه؟ آنها باید بروند یک فکری بکنند در هیأتی بودن خودشان، شما در دستگاه امام حسین کی را عاشق خدا پیدا نمی کنید؟ فرمود من کان فینا باذلا مهجته مبتلا علی لقاء الله نفسه فلیرحل معنا، هر کسی می خواهد با خدا ملاقات کند بیاید، همه دویزند، آنهایی که با خدا می خواستند ملاقات کنند، قاسم سیزده ساله اش اهلا من العسل، این اهلا من العسل چشیده ملاقات با خدا را قبل از کشته شدنش، اهلا من العسل شاعر نبوده که حضرت قاسم، در این تربیت دومین ویژگی ای که باید داشته باشد انسانی که متصل به خداست، عاشق خداست دومین ویژگی که باید داشته باشد چیست، باید در او ایجاد شود، یادتان هست سال هشتاد و پنج فکر کنم بود مقام معظم رهبری یک مطلبی را در جمع بسیجیان فرمودند، فرمودند که تاسی به مکارم اخلاق پیغمبر می دانید یعنی چه؟ معنایش این نیست که آدم برود یک سری اخلاقیات را یاد بگیرد، نه، این پرورش مکارم اخلاق در درون است، آن چیزی که بسیجی ها شهدا در زمان جنگ داشتند، شما ایثار را از او می دیدی، شهادت طلبی را از او می دیدی، اینها را کسی آموزش نمی داد، این از درون رهایافته و متعالی شده و متصل شده اش به خدا یک چنین تراوشاتی داشت، اصلا یک عاشق بالله هیچوقت نمی شود ایثارگر نباشد، نمی شود شجاع نباشد، بعد فرمود این دو تا دو تا کار می خواهد، اینها هم آموزش می خواهد هم تمرین، یک جایی آقا فرمودند هیأت باید کلاس باشد، یک جایی فرمودند باید تربیت کننده باشد، هم آموزش هم پرورش، الان مأموریت امروز ما این است که یک صادق پرورش بدهیم در این هیأت، من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله، مؤمن زیاد است، یک صادق پرورش بدهیم، خوب، بعد از ارتباطش با خدا، توقعش از خدای متعال نکته ای که اینجا در قرآن کریم می فرماید، می فرماید چی؟ بیتغون رضوانا، دنبال جلب رضایت خداست، رفقا ما خیلی ها مأموریت‌هایی که انجام می دهیم می گوییم خوب حالا آقا فرموده این کار را بکنید ما در حد وسعمان می رویم این عملیات را انجام می دهیم، این به درد نمی خورد، هر کاری انجام می دهیم بعدش باید چک کنیم که حالا آقا از این راضی بود یا نبود، اصل جلب رضایت ولی است، اقا نماز می خواند، می

گوید نمازم را می خوانم واجب است، دستور خداست که نماز را می خوانم، نه عزیز من، نماز را باید بخوانی بعد ببینی خدا راضی بود؟ خدا قبول کرد یا نکرد؟ جلب رضایت، آقا مگر مشکلی هست؟ بله مشکل است، ما در این باور گیر داریم، زمان جنگ بچه ها و شهدا و فلان و این حرفها می گوید برو به امام، لحظه شهادتش است دارد جان می دهد، دیگر تمام شده دیگر، همه چیزش سرمایه اش را گذاشته همه را داده رفته، حالا که دارد جان می دهد بر می گردد می گوید برو به امام بگو امام از ما راضی شدی؟ چرا اینقدر برایش مهم است؟ خوب پس دیگر تو می خواستی چکار کنی؟ از ما راضی شدی؟ آقا این یک اصل است، من یک مثال خیلی علنی برای فاطمیه عرض کنم، همه تان می دانید حضرت زهرا سلام الله علیها علمی که امیرالمؤمنین داشت را داشت، تا جایی که امیرالمؤمنین تعجب کرد رفت به پیغمبر اکرم عرض کرد یا رسول الله هر چه ما می دانیم او می داند، آقا فرمود چون خلقت او از نور ماست، همه چیز را داشت، دقیق هم درست عمل کرد، همه چیز همه چیز رو به راه، مبارزه، حماسه، حالا دوستان گله کردند که تو چرا نقد کردی بحث شعار تشکیلات را، آقا شعار تشکیلات خب خیلی خوب، اما خود ما خطی که آقا داده برای فاطمیه را یک مرور کنیم در سالهای گذشته، بحث زنده کردن حماسه فاطمه اطهر است، فاطمه اطهر در حماسه هیچ چیز کم نگذاشت، واقعا شما می گوید السلام علیک ایتها الصدیقه الشهیده، این صدیقه را قبل از شهادت می گویی چون واقعا این حق بود، قبل از اینکه شما شهادت فاطمه اطهر را جا بیندازی باید صداقت فاطمه اطهر را جا بیندازی، صدیق بودن ایشان، خوب همه چیز درست بود، عصمت و پاکی و طهارت و تفضلات دیگر الهی که دیگر هیچ چیز، ام الائمه النجبا بودند، سیده نساء عالمین بودن، همه چیزش، تمام شد آقا، بی بی به شهادت رسید تمام، به اسماء فرمود من یس را خواندم روکش را کشیدم بیا چند بار صدایم کن، دیدی جواب ندادم برو به علی بگوی بیاید، من می خواهم کار تمام شده باشد علی بیاید، علی دیگر جان کندن مرا نبیند، تمام شده باشد، همین امشب، حضرت زهرا تمام شد، امیرالمؤمنین آمد خوب فائله به هم ریخت، امیرالمؤمنین علیه السلام نفرمود فاطمه جان برگرد، من خیلی از این شهرهایی که خانواده هایی را دیدم، خیلی ها را دیدم، چندین مورد بوده مادر آمده کنار بدن می گوید من به شهادتت کاری ندارم من تو را تقدیم به خدا کردم نمی خواهم برگردی ولی پسر مثلا یک لبخند به مادر بزن برو، آمده پای جنازه اش می گوید یک لبخند بزن، بعد همه دوربین ها آمدند عکس انداختند دانه دانه این پسر جنازه اش لبخند زده و برگشته، یا صحبت کرده، یا چشمش را باز کرده، خوب امیرالمؤمنین علیه السلام وقتی آمد بالای سر فاطمه اطهر حالا هی صدا کرد، هی صدا کرد، بعد آخر فرمود کلمینی فاطمه، فقط دو کلمه با من حرف بزن، من چیزی نمی خواهم، فقط حرف بزن، من می خواهم حرف زدن تو را برای آخرین بار ببینم، دو کلمه حرف بزن، کلمینی یا فاطمه، منم علی، تو می دانی هیچ کسی دیگر با من حرف نمی زند، دو کلمه حرف بزن، خداست دیگر، ریخت به هم همه مقدرات را، فاطمه جان برگرد، جان دوباره برگشت، شهادت تمام شده بود قصه، فاطمه اطهر چشمش را باز کرد، شروع کرد با امیرالمؤمنین سخن گفتن، اولین چیزهایی که فاطمه اطهر به

امیرالمؤمنین عرض کرد چی بود؟ برگشت گفت آقا از من راضی هستی؟ راضی هستی؟ جلب رضایت، کربلا هم همینجوری بود، حالا چه اصراری داری ابالفضل؟ الان امام حسین دارد داغون می شود کنار بدن تو، یک چشم که با تیر از بین رفته، یک چشم هم معمول است دیگر، آنهایی که مجروح شدند می دانند سر ترکش بخورد خوب خون خیلی می آید، این چشمی که سلامت بود برای ابالفضل العباس جالب است علمدار هم بود، شما هم علمدار هستید، خون که آمد روی چشم چپ حضرت عباس علیه السلام، حالا چشم چپ یا چشم راست خون لخته می شود دیگر، در چند دقیقه خون لخته می شود، چشم دیگر باز نمی شود، عرض کرد مولای من می شود این خون چشمم را پاک کنی؟ خوب دست که ندارد حضرت ابالفضل خودش این کار را بکند، این خون را پاک کند، بعد از اینکه خون را پاک کرد ابالفضل العباس برای چی می خواهی حالا این لحظه آخر؟ من می خواهم رضایت امامم را ببینم، من مأموریت را انجام دادم درست بود؟ تمام است؟ کارم را انجام دادم؟ آقا تأییدیه گرفتن، رفا تو را به حق همین اشکهای نورانی که دارید می ریزید تأییدیه بگیرید از امامتان، هر اقدامی انجام می دهید نگویید ما این بود، همین بود که می توانستیم، تأییدیه بگیرید، ما کم کم یک جاهای دیگر می رویم، مقام معظم رهبری چه اصراری است الان بیایند موضوع دولت قبل را پیش بکشند؟ چه اصراری است؟ اینها به اندازه کافی دولت قبل را می زنند خودشان، حالا با وجود همه نقصها و نقات قوت و همه چیز، چه اصراری است سر قصه مذاکرات هسته ای مقام معظم رهبری دولت قبل و این دولت را یکی کنند، من به مسئولین این دولت و به مسئولین آن دولت هم گفتم، این راه نتیجه نمی دهد، ولی اصرار کردند باشد، تجربه شود، چرا در این امر ما حزب الله با غیر حزب اللهی ها با کسانی که الان داریم می بینیم چه جبهه هایی می گیرند یکی شدیم؟ چون به این مشکل رسیده بودیم، آقا که مخالفت نمی کنند، عدم مخالفت، آقا فرمودند من مخالفت نمی کنم، من می گویم نتیجه نمی دهد، ولی شما حالا اصرار دارید انجام بدهید ببینید، باشد بروید ببینید، می گوید همین قدر که آقا مخالفت نکند بس است، آقا که مخالفت نکرده که، آقا گفته حرام است؟ آخر این چه ادبیاتی است که بعد ما الان گیر کنیم اینجا به مشکلات جدی بخوریم، وندی شرم برگرده هر چه از دهانش در می آید به این ملت بگوید و ما نتوانیم دفاع بکنیم، برگردد به یک ملت بگوید شما در ژنتان در ذاتان دروغ و فریب است، و انصافا هم ما نرفتیم این را به مردم برسانیم، مردم دارند به شما این را می گویند آمریکایی ها، گرچه آنهایی که آمدند شعار دادند بیست و دو بهمن و سیزده آبان خود آقا فرمود این خودش جهتش بی ادبی های اینها بود، ولی آخر چقدر اینها جسور شدند آمدند جلو، بابا فاطمه اطهر سلام الله علیها پشت در یکی از جمله هایی که می فرمود، حالا ما پارسال، این سه چهار سال گذشته شعار کرده بودیم، تو را به خدا این کلمات حضرت زهرا را بُد کنید، یکی از کلماتی که حضرت زهرا فریاد می زند پشت در، اصلا کاری به این آدمی که آمده دارد می سوزاند ندارد، خوب معلوم است او کیست چیست چکاره است، به قول خود حضرت زهرا ان بُهیفیتی من ؟؟؟؟ یا ابالحسن، اینها کمترین و پست ترین مکارترین و حقه بازترین ها آمدند چه کردند، با ابالحسن

مسابقه می دهند، فی السباق، اما یک جمله ای که فریاد می زند به همه مردم داد می زند پشت دری که دارد آتش می آید بالا، برگشت گفت ما هذه الجرأت علی الله و علی رسوله، من نمی گویم تو چرا این کار را می کنی، چون از تو جز این کار بر نمی آید، اما کی جرأت به تو داده است؟ ما جرأت دادیم به وندی شرمن و جان کری، ما، ما، که الان برگردد بگوید من اصلا به ایران اعتماد ندارم، روحانی باشد یا هر کس دیگری باشد، ما همه چیز بر اساس راستی آزمایی است، ما نمی دانم چهل تومان پنجاه تومان هم بخواهیم به مردم پولی بدهیم که خود اینها یک روزی می گفتند این صدقه است و ال است و بل است الان دارند می گویند ما باید راستی آزمایی کنیم ملت را، شما فکر می کنید عقلشان نمی رسد که این راستی آزمایی را وقتی آنها می گویند راستی آزمایی راستی آزمایی، داد می زند راستی آزمایی اینها را هم راستی آزمایی را برای سبد کالا توی سرمان می زنند، این جرأت را کی داده است به جبهه مقابل؟ ما دادیم، عدم صدق ما این جرأت را داده است، تردید ما در مبارزه این جرأت را داده است، وقتی مقام معظم رهبری جبهه بیداری اسلامی را عَلمش را بلند کرد فرمود همه بیایند ما نرفتیم، ما نرفتیم، ما گفتیم مصر که قابل اعتماد نیست، تونس که نمی دانم چی است، نمی دانم فلان که چی است، آقا فرمود بابا شماهایی که زمان پیغمبر وقتی داشت مبارزه می کرد خدا به پیغمبر و یارانش فرمود شما حرز المؤمنین علی القتال، به جوانان مصری مقام معظم رهبری خطاب یاران پیغمبر بدر و حنین را می دهد، ما هی گفتیم مگه می شود بابا؟ ولما کنی، حسین حسین کار خودمان را کردیم، یک خورده آمدیم جلو سکوت سکوت سکوت، من هر شهری که رفتم اولین سؤالی که کردم این بود، بیداری اسلامی اینجا چکار کردند؟ گفت هیچ چی، هیچ چی، یک حرکتی هم یک گوشه یک استانی بلند شده خیلی غریب، خیلی قلیل، آدم می گوید اگر پرچم بیداری اسلامی را اهلبیت بلند کردند که مقام معظم رهبری فریاد می زند شماها پیروز هستید، جوانان جهان اسلام، شما پیروز هستید در مقابل با کفر جهانی و استکبار، چرا؟ چون و نرید ان نمّ علی الذین استضعفوا فی الارض فنجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین، خوب ما شک کردیم، ما انقلاب اسلامی را با این آیه خوب فهمیدیم، همه جایمان هم بلد کردیم خوب پیروز هستیم، اما بیداری اسلام را نتوانستیم اعتماد کنیم به امامان، جبهه مبارزه با استکبار را خالی کردیم خالی کردیم اینها به اینجا رسیدند، ما هذه الجرأت علی الله و علی رسوله، تو این جرأت را از کجا پیدا کردی حالا آمدی می گویی می خواهیم من نسل پیغمبر را قطع کنم، خوب همین را گفت، ان تعلق نسلک، تو می خواهی نسل پیغمبر را قطع کنی؟ گفت آره می خواهم قطع کنم، ما نرسیم به زمان فاطمیه، آقا حرف صدق می زند یعنی اگر نجیبیم می رسیم به زمان فاطمیه، می رسیم به زمان فاطمیه به خدا، اصلا خدا با ما عقد اخوت بسته است، جلب رضایت، اصل بر جلب رضایت است، این را یادمان باشد، فردا نماینده انتخاب می کنیم، فردا رئیس جمهور انتخاب می کنیم، فردا هر کار دیگری می کنیم فردا هیأت زدیم، نمی دانم روزه گریه مناجات، هر چی، آقا شما راضی هستی؟ همینجوری، شما همین را می خواستی؟ همین را می خواستی آقا؟ اگر امضاء کرد بگوییم ما کارمان را

درست انجام دادیم، اگر امضا نگرفتیم نگوئیم، نگوئیم کار کردیم، اصل بر جلب رضایت است، نه عدم مخالفت، که آقا بفرماید بابا، آقای فلانی که نقشه آوردی می گویی به این دلایل بیداری اسلامی نیست بیداری آمریکایی است، اشتباه می کنی، بفرمایید، یا آقا برگردد بفرماید آقای حزب اللهی ولایی سرباز ولایت فقیه این آقایی که برداشتی از این مسند من به جای تو بودم این را بر نمی داشتیم، برگردد بگوید آقا من نمی توانم با او کار کنم، اگر دستور می دهی، حکم ولایی می دهیم من این کار را می کنم، اگر حکم ولایی نمی دهید من این کار را نمی کنم، آقا می گوید نه، حکم ولایی نمی دهم، این دارد می شود عرف ما، آقا فرمود رأی سدید در جریان انتخابات، ما نرسیدیم به رأی سدید در جریان انتخابات، نرسیدیم دیگر، حتی بعد از انتخابات هم خیلی ها آمدند تحلیل کردند اگر تجمیع هم می شد هیچ فایده ای نداشت، بابا تو را به خدا تو دیگر هیچ چیز نگو، تو دیگر حزب اللهی ولایی هستی، جلب رضایت یک اصل است، هیأت باید انسان را برساند به این امام رضا علیه السلام فرمود روایتش هست دیگر از رو نمی خوانم، امام رضا علیه السلام بود آمد گفت آقا امام رضا به من خیلی نسبتها را می دهند، ولی به خدا من ولایی هستم، من شما را قبول دارم، آقا امام رضا برگشت به آن شیعه اش فرمود ببین مهم این است که امام تو از تو راضی باشد، امام تو از تو راضی شد دیگر حالا بگذار هر کسی هر چیزی می خواهد بگوید بگوید، ما یک جریان عده ای عده ای درست می کنیم بعد می گوئیم که حالا الان دیگر اگر این کار را نکنیم هم رنگ جماعتمان جریانمان جبهه مان هر چی اسم می گذاری بگذار نشویم خوب بد می شود، اینجا اگر ما اینجوری شدیم به خاطر انتسابمان به این مجموعه به این تشکیلات است، بعد می گوئیم بد می شود، جلب رضایت، جلب رضایت من دیگر این چند موردی که آقا مأموریت داده به هیأت را برای رسیدن به جلب رضایت در این حوزه ها دیگر شرحش را نمی دهم، فرمود هیأتها باید این مأموریتها را انجام بدهند، یک، آن ایجاد انس و عشق به خدا، دو، تربیت انسان، سه، افزایش ایمان، ایمان عمیق، چهار، تبیین و تشریح معارف دینی بوسیله مصادق متناظر زمان، معارف دینی را با مصادیق زمانی اش عنوان بکنی، پنج، انذار به مردم، ما نترسیم از اینکه مردم را بیدار بکنیم، برویم دخمه درست کنیم فقط برای خودمان و بچه حزب اللهی های خودمان، برویم سراغ مردم، برویم سراغ مردم، در انتخابات در بعضی از این استانها بچه ها می دانند آنجا عرض م کردم، می گفتم بابا ما داریم همدیگر را می زنیم، کی ها کی ها را می زنند، کی ها کی ها را می زنند، مردم رها شدند، خوب این مردم رها را دیگری می آید می برد، برویم سراغ مردم، شش، زنده کردن خون سید الشهداء، خون، یاد و نام و اینها، تو رو خدا به داد شعرها برسید، زنده کردن خون، خون سید الشهداء، اینجا حرف زیاد است، هفت، مطالبه حق اهل بیت، همین الان شما در این صلوات حضرت زهرا می خوانید شیخ طوسی نقل می کند، کن الطالب لها، مطالبه حق، حق اهل بیت علیهم السلام، هشتم، بحث تقویت و بصیرت و تقویت روح حماسه در مردم، مردم ها، بچه حزب اللهی ها ما شش آتشه باشند فقط کافی نیست، برویم در مردم، مردم را برنامه ریزی کنیم برایشان، مردم فاطمه اطهر را قبول دارند ولی فقط برایش اشک می ریزند، با فاطمه اطهر راه

نمی افتند فریاد بزنند، این رسالت ماست، حماسه زهرای اطهر را ببریم در مردم، نهم، تعمیق محبت نسبت به اهل بیت علیهم السلام، محبت‌هایی که ما داریم همان است که خدا داده است به ما، این باید عمیق شود، این باید عمیق شود، الان حمله به این ارتباط عاطفی و عاشقانه مردم به اهل بیت خیلی دارد می شود، در دانشگاهها دارد به شدت صورت می گیرد، من دیگر مواردش را عرض نمی کنم، عرضم به حضورتان که بحث تحقق وحدت کلمه، یعنی یک هیأت می شود وسیله اتحاد بین جریانها و گروهها و اقشار مختلف مردم، تحکیم حاکمیت نظام، حضرت امام فرمود چی؟ همان جمله ای که خدا به پیغمبر فرمود ما انقلاب کردیم می خواهیم همان جمله را خدا به ما بگوید، کدام جمله را خدا به پیغمبر فرمود؟ انّ الذین یبایعونک انّما یبایعون الله، آنهایی که با تو بیعت کردن رسول من، با خدا بیعت کردند، ید الله فوق ایدهم، اینها با من دست دادند کسانی که با تو دست دادند، امام یعنی ولی فقیه فرمود ما می خواهیم مخاطب این جمله قرار بگیریم، یعنی هر کسی آمد تحت ولایت ولی فقیه ید الله فوق ایدهم باشد، ما این را باید در مردم جا بیندازیم، رسالت عمیق ماست، و البته به فضل الهی و منّ الهی این گسترش پیدا کرده الان خبرهای بسیار امیدوار کننده ما از بحرین داریم، از قطیف داریم، انشاءالله حتما بروید با این شبکه ای که ایجاد شده است روابط را برقرار کنید با مبارزین قطیف، خیلی مبارزین خوب و پاکاری دارد، عوامیه در عربستان، عوامیه، قطیف، حالا زینبیه سوریه که از جاهای مختلف می آیند بیشتر هم عملیاتی است، اما این پای این اعتقادات، عرضم به حضورتان که خود بحرین، گروههای مختلف بحرین دعوت کنید، بیاورید در جلساتتان، هنوز بعضی از جوانان آن مبانی اساسی انقلاب اسلامی را آشنا نیستند، باید بیایند در جمعهای شما با این مبانی اساسی آشنا شوند برگردند بروند کشورشان بتوانند مشکلات کشورشان را حل کنند از این گذر و پیچ تاریخی انشاءالله عبور کنند، خدا انشاءالله توفیقاتتان را هر چه هست بیش از این کند، قم آمدید، قم حضرت آقا فرمود آمدن حضرت معصومه به قم مثل آمدن حضرت رضا به ایران یک حرکت جهادی بود، آمدن شما هم انشاءالله به این سرزمین یک حرکت جهادی است، خدا انشاءالله توفیقاتان بدهد که به اوج قلّه برسید، همه ما هم در این مسیر به شهادت برسیم انشاءالله، صلوات ختم کنید. اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم،